

بررسی تطبیقی گستره حریم خصوصی کودک در اسلام و کنوانسیون حقوق کودک

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱

صفورا بیستونی^۱

محمد مهدی مقدادی^۲

چکیده

حریم خصوصی حقی است نسبت به خلوت هر فرد، محفوظ داشتن اطلاعات مربوط به شخصیت او و زندگی کردن با سلیقه خود و با حداقل مداخله دیگران. تعرض به این حق برخاسته از کرامت و حقوق شخصیت، ناروا و ممنوع است. به علت آسیب پذیری کودکان و حجر آنان، صیانت از حریم خصوصی کودکان به یکی از مناقشه برانگیزترین موضوعات حوزه سیاست گذاری حقوقی تبدیل شده است. نگارندگان در این تحقیق با روش تطبیقی که مبتنی بر مقایسه برای فهم، تبیین و تحلیل مشابهت‌ها و تفاوت‌هاست، ضمن در نظر گرفتن ماهیت و مبانی حریم خصوصی کودک، تلاش کرده‌اند نقاط اشتراک و افتراق قلمرو حریم خصوصی کودک در اسلام و نظام بین‌الملل را تحلیل نمایند. کنوانسیون حقوق کودک که بارزترین جلوه هم‌گرایی جامعه جهانی در حمایت از حقوق کودکان است به عنوان مرجع این مقایسه قرار گرفته و مشخص شده که بسیاری از مصادیق حریم خصوصی کودک که در اسناد بین‌المللی مورد توجه بوده، در حقوق اسلام پیش‌تر و بهتر مورد عنایت و تأکید واقع شده است. اگرچه در برخی موارد، احکام اسلامی با اسناد بین‌المللی در این زمینه سازگاری ندارد، لیکن بر پایه واگذاری به قوانین داخلی کشورها این امر انعطاف پذیر است. به هر روی، این مطالعه جامعیت دیدگاه اسلامی را در این مسئله به خوبی نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: حریم، حریم خصوصی، حریم خصوصی کودک، فقه اسلامی، کنوانسیون حقوق کودک، کودک.

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه مفید، قم، ایران (نویسنده مسئول) safoora.bistouni@gmail.com
۲. دانشیار دانشگاه مفید، قم، ایران mmeghdadim@gmail.com

مقدمه

حریم خصوصی حقی است که به تمام انسان‌ها، فارغ از ملیت، مذهب، رنگ، نژاد و جنسیت تعلق می‌گیرد، اما برخی گروه‌ها به دلیل کم‌توانی و آسیب‌پذیری بیشتر، باید به‌طور ویژه مورد توجه مقررات و نهادهای حمایتی از جمله دولت‌ها قرار بگیرند. کودک به‌عنوان فردی از جامعه انسانی به دلیل عدم رشد فکری و جسمی کامل در معرض تضییع حق و آسیب بیشتری قرار دارد و نیازمند عنایت و حمایت است. با توجه به اینکه تنوع رویکردها و مقایسه نظام‌های حقوقی موجب افزایش جنبه علمی پژوهش و پرهیز از یک‌جانبه‌گرایی می‌شود، شاکله اصلی این تحقیق مبتنی بر رویکرد تطبیقی و شالوده اصلی پژوهش در مقام پاسخ به این پرسش است که در فقه اسلامی، حریم خصوصی کودک چه میزان به رسمیت شناخته شده و نقاط افتراق و اشتراک حریم خصوصی کودک در اسلام با کنوانسیون حقوق کودک چیست؟

فرضیه این تحقیق بر این اساس شکل گرفته که گرچه در منابع فقه اسلامی مبحثی به حقوق کودک و حریم خصوصی اختصاص نیافته، ولی به تناسب موضوع، در ابواب گوناگونی از جمله ارث، حدود، نکاح و طلاق و همچنین مباحث اخلاقی و تربیتی به آن پرداخته شده است و نمی‌توان منکر اهتمام فقه اسلامی به حمایت از حریم خصوصی شد. زیرا برای ارزیابی میزان اهتمام یک نظام حقوقی به موضوعی مانند حریم خصوصی، توجه به قواعد و آموزه‌های آن نظام بسیار ضروری است؛ از این رو، شاهدیم که فقهای امامیه در بسیاری موارد و در ابواب مختلف فقهی به تناسب با ذکر عوامل نقض حریم خصوصی، با مبانی متقن به حمایت از مصادیق حریم خصوصی پرداخته‌اند و ثانیاً تفاوت در مفاهیم و مبادی دو نظام حقوقی اسلام و بین‌الملل به معنای عدم قلمرو مشترک نیست. قدر مشترک فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل، پذیرش حق حریم خصوصی کودک است که دربرگیرنده حریم‌های جسمی، مکانی، معنوی و اطلاعاتی است.

تحقیق حاضر با بررسی عمیق در پی تبیین کامل و رفع ابهامات موجود و ارائه میزان همخوانی حریم خصوصی کودک در منابع اسلامی با کنوانسیون حقوق کودک بوده و به بررسی نقاط اشتراک و افتراق قلمرو حریم خصوصی کودک در این دو نظام می‌پردازد و

مشخص خواهد نمود که اگرچه مبانی، مصادیق و گستره حریم خصوصی کودک در کنوانسیون حقوق کودک در برخی از موارد با احکام اسلامی سازگار نیست، ولی انعطاف پذیر وضع شده یا جایگزین‌های مناسب و سازگار با اسلام برای آنها پیش‌بینی شده است.

با توجه به آنچه گفته شد، نوشتار حاضر در چهار قسمت تدوین شده است. در ابتدا مفاهیم پایه‌ای همچون «حریم خصوصی»، «حریم خصوصی کودک» و «کنوانسیون حقوق کودک» تبیین می‌شود، سپس با تکیه بر مبانی این بحث، قلمرو حریم خصوصی کودک ترسیم خواهد شد. در دو قسمت پایانی، حریم خصوصی کودک در اسلام و کنوانسیون حقوق کودک و وجوه اشتراک و افتراق آنها مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند.

۱. مفاهیم

در این قسمت، مفاهیم محوری بحث، از جمله حریم خصوصی و حریم خصوصی کودک، مطالعه می‌شود.

۱.۱. حریم خصوصی^۳

در مورد مفهوم حریم خصوصی، بحث‌ها و اختلافاتی وجود دارد که جای بیان آن در این مجال نیست. لیکن در مجموع می‌توان این تعریف را ارائه داد که حریم خصوصی محدوده خاص هر شخص است که به دلیل ارتباط با شخصیت، هویت، اسرار و محرمانگی‌های فرد، دارای اهمیت ویژه‌ای است و دیگران نمی‌توانند به آن محدوده وارد شوند و یا متعرض آن گردند.^۴

۱.۱.۱. حریم خصوصی در فقه و حقوق اسلامی

در منابع اسلامی عنوان «حریم خصوصی» به صراحت بیان نشده، اما فقهای امامیه در بسیاری موارد به تناسب بحث با ذکر عوامل نقض حریم خصوصی، با مبانی متعدد و محکم به حمایت از مصادیق حریم خصوصی پرداخته‌اند. از نظر فقهی، حریم خصوصی تحت قاعده

3. privacy

۴. باقر انصاری، حقوق حریم خصوصی، ج ۱، (تهران: انتشارات سمت، چ ۱، ۱۳۹۲)، ص ۱۶.

سلطه «الناس مسلطون علی اموالهم»^۵ معرفی می‌شود که به طریق اولی شامل انفس و اعراض هم می‌شود و احکام و مصادیق آن ذیل عناوینی از جمله ممنوعیت تجسس، ورود به منازل بدون استیذان، استراق بصر، استراق سمع، سوءظن، نیمه و غیبت، سب و هجو و قذف، اشاعه فحشا و هتک ستر، خیانت در امانت و نظایر آن که به نوعی بر حقوق و آزادی‌های فردی و حق حریم خصوصی دلالت می‌نمایند، استناد شده است. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت در فقه به حریم خصوصی به دو صورت اشاره شده است:

الف) تلویحی. در موارد متعددی و بدون اشاره به لفظ حریم، این حق مورد پذیرش و حمایت قرار گرفته است.^۶

ب) صریح. حریم خصوصی از دو جنبه بحث و بررسی شده است: جنبه اقتصادی و جنبه اخلاقی. بر این اساس، فقها دو مصداق ذکر کرده‌اند؛ یکی در مورد اموال^۷ و دیگری در مورد انسان^۸. معمولاً مصداق اول را در باب احیا و موات مطرح کرده‌اند، و مصداق دوم را در باب جهاد و حدود.

۱.۱.۲. حریم خصوصی در قوانین

در باب حریم خصوصی، قانون مدون و مستقلاً در کشور ما وجود ندارد، لیکن در میان قوانین و مقررات موجود به صورت پراکنده و ضمنی به این موضوع پرداخته شده است؛ از جمله اصول ۲۰، ۲۲، ۲۵، ۳۹ و قانون اساسی؛ ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی؛ ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی؛ فرمان هشت ماده‌ای امام؛ مواد ۳۶ تا ۴۲ منشور حقوق شهروندی؛ مواد ۱۳۷ تا ۱۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری؛ ماده ۱۶ قانون جرایم رایانه‌ای و لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹.

۱.۱.۳. حریم خصوصی در اسناد بین‌المللی

مفهوم حریم خصوصی به دلیل نوع سیاست‌گذاری و محدودیت‌های حقوقی هر نظام، هرگز مورد وفاق دولت‌ها قرار نگرفته است؛ از این رو، مفهوم واحدی در مورد آن وجود

۵. ابوالقاسم خوبی، *منهاج الصالحین*، ج ۲، (قم: نشر مدینه العلم، چ ۲۸، ۱۴۱۰)، ص ۵۳.
 ۶. محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۲، (تهران: انتشارات اسلامی، چ ۴، ۱۳۸۶)، ص ۲۷۳.
 ۷. ابوالقاسم خوبی، *منهاج الصالحین*، ج ۲، (قم: نشر مدینه العلم، چ ۲۸، ۱۴۱۰)، ص ۵۳.
 ۸. محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۲۹، (تهران: نشر اسلامی، چ ۴، ۱۳۸۶)، ص ۲۸۴.

ندارد. در این خصوص می‌توان به اعلامیه کنفرانس حقوق‌دانان^۹ اشاره کرد که در مقام تعریف و در بند دوم می‌گوید: حق حریم خصوصی حقی است نسبت به تنها ماندن^{۱۰}، زندگی کردن با سلیقه خود و با مداخله حداقلی دیگران.

در اسناد بین‌المللی، حریم خصوصی در مواد مختلفی مطرح شده است؛ از جمله اسنادی که به این موضوع و حقوق مربوط به آن تاحدودی اشاره کرده‌اند: ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، مواد ۹ و ۱۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، بند «الف» از ماده ۶ و بند «الف» از ماده ۸ اعلامیه حقوق بشر اسلامی (۱۹۹۰)، بیانیه تهران (۱۳۸۹)، دستورالعمل اتحادیه اروپا در خصوص حمایت از داده‌ها (۱۹۹۵)، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (۱۹۵۳).

۲.۱. کودک و مهم‌ترین مقررات مرتبط به حریم خصوصی وی

رویکرد اصلی تقنین در نظام حقوقی ما، موازین شرعی و آموزه‌های فقهی است. بر همین اساس در اصل چهارم قانون اساسی آمده است که کلیه قوانین و مقررات باید بر اساس موازین اسلامی باشد. از این رو، کودک به کسی اطلاق می‌شود که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد (قانون مجازات اسلامی، ماده ۴۹، تبصره ۱). سن بلوغ پسر، پانزده سال تمام قمری و سن بلوغ دختر، نه سال تمام قمری است (قانون مدنی، ماده ۱۲۱۰، تبصره ۱). مشهور فقهای امامیه هم سن بلوغ را برای پسر ۱۵ سال و برای دختر ۹ سال تمام قمری می‌دانند. برخی فقیهان معاصر شیعه بلوغ دختران را با اکتساب شرایطی در ۱۳ سالگی محقق دانسته‌اند^{۱۱}. کنوانسیون حقوق کودک در ماده ۱ بیان می‌کند: کودک کسی است که سن او کمتر از ۱۸ سال باشد. در این سند بین‌المللی دقیقاً تصریح نشده است که مرحله کودکی از چه زمانی شروع می‌شود، اما با دقت نظر در مواد این کنوانسیون، مشخص می‌گردد حقوقی که برای کودک در نظر گرفته شده مربوط به زمانی است که کودک متولد می‌شود و به دوران قبل از تولد کودک هیچ اشاره‌ای نشده است.

9. Nordic Conference of Jurists on the Right to Respect for Privacy, 1976.

۱۰. اولین شخصی که حریم خصوصی را با تعبیر حق نسبت به تنها ماندن تعریف کرد، «توماس کلی» بود. نک: انصاری، ۱۳۹۰: ۱۴.

۱۱. یوسف صانعی، بلوغ دختران، ج ۱، (تهران: فقه الثقلین، چ ۵، ۱۳۹۴)، ص ۳۵.

به هر روی باید به دو نکته مهم اذعان نمود: اول اینکه به موجب آموزه‌های دینی، از زمان بسته شدن نطفه و استقرار آن در رحم مادر می‌توان به آن، کودک اطلاق نمود^{۱۲}. دومین نکته اینکه بر اساس ملاک رشد و استانداردهای تعیین شده در اسناد و مقررات، دوران کودکی صرفاً با بلوغ پایان نمی‌یابد، زیرا نمی‌توان دختر ۹ ساله یا پسر ۱۴ تا ۱۵ ساله را با احراز سن بلوغ یا بروز علائم شرعی آن، کبیر دانست و از حمایت محروم ساخت؛ به‌ویژه اینکه چنین نوجوانانی غالباً به فهم کامل و رشد جسمی و فکری لازم نرسیده‌اند. از این رو، لازم است نوجوانان فاقد رشد را نیز در قلمرو حمایت‌های کودک قرار داد و چنین اظهار کرد که منظور از کودک، هر فرد زیر سن هجده سال است که به رشد نرسیده باشد. به همین جهت در قوانین حمایتی ما کلیه افراد زیر هجده سال مورد شمول و حمایت قرار گرفته‌اند^{۱۳}.

گفتنی است مهم‌ترین سند قانونی مرتبط با حریم خصوصی کودک در کشور ما قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ است^{۱۴}. همچنین اصلی‌ترین سند بین‌المللی در حمایت از حقوق کودکان و حریم خصوصی آنان، کنوانسیون جهانی حقوق کودک، متشکل از یک مقدمه و ۵۴ ماده است که متعاقب تصویب آن، دو پروتکل مهم و مکمل کنوانسیون حقوق کودک در سال ۲۰۰۰ میلادی تصویب شد: یکی، پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودکان در مورد شرکت کودکان در جنگ؛ و دیگری، پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد فروش، فحشا و پورنوگرافی کودکان، که مورد اخیر به موجب قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان در سال ۱۳۸۶ به تصویب رسید.

۱۲. نور: ۵۸-۵۹.

۱۳. ماده یک قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱ و ماده یک قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹.

۱۴. در ماده ۱۹ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ آمده است: هر کس هویت یا اطلاعات و اسرار طفل یا نوجوان بزه‌دیده یا در وضعیت مخاطره‌آمیز را افشا و یا جزئیات جرم ارتكابی توسط طفل و نوجوان یا علیه وی را از طریق رسانه‌های گروهی و یا با توزیع، تکثیر، انتشار و نمایش فیلم یا عکس و مانند آن تشریح کند به گونه‌ای که موجب تجری دیگران، اشاعه جرم، آموزش شیوه ارتكاب آن یا بروز هرگونه ضرر یا آسیب به طفل یا نوجوان یا خانواده وی شود به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود. در این خصوص، تبصره ماده ۲۳ این قانون نیز قابل توجه است که مقرر داشته است: سؤالات و تحقیقات باید به موضوع مورد بررسی محدود شده، تدابیر و اقدامات کافی برای جلوگیری از انتشار و افشای اطلاعات اتخاذ شود.

۲. قلمرو حریم خصوصی کودک در اسلام

برای درک صحیح و کامل قلمرو حریم خصوصی، شناخت مقتضیات و عناصر تشکیل دهنده مفهوم حریم خصوصی بسیار ضروری است. «مفهوم حریم خصوصی از سه عنصر مستقل و مرتبط با هم تشکیل شده است که عبارت است از: محرمانگی، ناشناس ماندن، تنهایی و خلوت»^{۱۵}.

با توجه به اینکه «حریم خصوصی شامل محدوده‌ای از زندگی شخصی است که به وسیله قانون و عرف تعیین شده و ارتباطی با عموم ندارد؛ به نحوی که دخالت دیگران در آن ممکن است باعث جریحه‌دار شدن احساسات شخص یا تحقیر وی نزد دیگران به‌عنوان موجود انسانی گردد»^{۱۶}، قلمرو حریم خصوصی را می‌توان در محدوده جسمی و جنسی، معنوی، اطلاعاتی و مکانی احصا نمود.

در تعیین گستره حریم خصوصی و نیز حریم خصوصی کودک، توجه به نکات زیر ضروری است:

نکته اول، اینکه حریم خصوصی دارای یک مفهوم نسبی^{۱۷} است و علی‌رغم شناسایی حریم خصوصی به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری، تعریف دقیق و مورد وفاقی از آن ارائه نشده است. «حریم خصوصی همچون مفاهیمی مانند عدالت، امنیت و اخلاق، بار ارزشی داشته، مفهوم آن به فرهنگ و انتظارات فرهنگی جوامع بستگی دارد و ممکن است تحت تأثیر افکار عمومی، تصمیمات قضایی، تکنولوژی‌های جدید و عوامل دیگر تغییر کند، اما هرگز از بین نمی‌رود»^{۱۸}. بنابراین، ماهیت و شمول حریم خصوصی از مکانی به مکان دیگر و از زمانی به زمان دیگر متفاوت است؛ چه بسا یک موضوع در یک جامعه نقض حریم خصوصی به‌شمار آید، در حالی که در جامعه دیگر چنین نباشد. در جوامع سنتی مفهوم و

۱۵. باقر انصاری، حقوق حریم خصوصی، ج ۱، (تهران: انتشارات سمت، چ ۱، ۱۳۹۲)، ص ۱۶.

۱۶. منصور رحمدل، «حق انسان بر حریم خصوصی»، مجله دانشکده علوم و حقوق سیاسی، ش ۷۰ (۱۳۸۴)، ص ۱۲۹.

۱۷. حریم خصوصی امری نسبی است یعنی متأثر از مقتضیات زمانی و مکانی بوده که در اسلام و فقه پویای شیعه نیز مادامی که شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی با اصول و مبانی اسلام تعارض و منافاتی نداشته باشد، مورد تأیید حقوق اسلام است.

18. De George, R. T. (2003), *The Ethics of Information Technology and Business*, USA, Black Well Publishing, p. 256.

قلمرو حریم خصوصی بیشتر ناظر به حقوقی بود که با منافع اشخاص نسبت به اموال و به‌ویژه زمین مرتبط بود، ولی در جامعه امروزی، قلمرو حریم خصوصی تحت تأثیر تحولات علمی، اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی متحول شده است. بنابراین حق حریم خصوصی مطلق نبوده، متناسب با زمان، مکان و وضعیت فرد، قابل تحدید است و محدودیت‌هایی بر آن وارد می‌شود.

نکته دوم، که بسیار حائز اهمیت و تکمیل‌کننده مطالب پیش‌گفته است، تبیین محدودیت‌های وارده بر گستره حریم خصوصی کودک و معیار و مبنای ورود به این حریم است. علی‌رغم اینکه حریم خصوصی به‌عنوان یک حق برای کودک شناخته شده، اما این حق مقید است و اعمال آن منوط به محدودیت‌هایی خواهد بود. یکی از بارزترین این محدودیت‌ها، حق والدین بر تربیت کودک است که از حقوق به‌رسمیت شناخته‌شده در فقه امامیه^{۱۹}، نظام حقوقی ایران^{۲۰} و همچنین اسناد حقوقی بین‌المللی^{۲۱} است. «در نظام حقوقی ایران حق والدین بر تربیت کودک ذیل عناوین ولایت، حضانت و سرپرستی مطرح شده است. کودکان به لحاظ ضعف و ناتوانی در جسم و روان، از تصرف در اموال خویش ممنوع بوده و برای مراقبت و حمایت همه‌جانبه تحت سرپرستی و ولایت قرار گرفته‌اند، به گونه‌ای که تمام شؤون و امور مربوط به آنها شامل نگهداری، تربیت، آموزش و اداره اموال و دارایی به نظارت و حمایت ولی و سرپرستان واگذار شده است»^{۲۲}. لذا در مقام عمل، اعمال حق والدین بر تربیت کودک، موجب تزامم با حق بر حریم خصوصی کودک می‌شود. به‌نظر می‌رسد در یک جمع‌بندی بتوان گفت که مداخله در حریم خصوصی کودک به دو دسته اصلی «محدودیت‌های ناشی از تزامم با حریم جسمانی کودک» و «محدودیت‌های ناشی از تزامم با حریم معنوی کودک» تقسیم شده است.

نکته سوم، اگرچه حق والدین بر تربیت کودک از حقوق به‌رسمیت شناخته‌شده در فقه

۱۹. محمدین حسن حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۲۱، (قم: مؤسسه آل‌البیت، چ ۱، ۱۴۰۹)، ص ۴۷۴.

۲۰. مواد ۱۱۶۸ و ۱۱۰۴ قانون مدنی.

۲۱. بند ۲ ماده ۱۴ کنوانسیون حقوق کودک.

۲۲. محمد مهدی مقدادی، «جایگاه و تأثیر مصلحت در سرپرستی کودک از دیدگاه فقه و حقوق»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۵۳ (۱۳۹۰)، ص ۱۸۱.

امامیه و نظام حقوقی ایران است، اما گستره اعمال این حق نیز مانند بسیاری از حقوق انسانی مطلق نیست و محدودیت‌هایی فقهی و قانونی بر آن وارد می‌شود. به نظر می‌رسد می‌توان گفت نقطه اصلی افتراق اسلام و کنوانسیون حقوق کودک حول محور اعمال حق تربیت و گستره آن است. از دیدگاه فقه اسلامی محور اصلی و عنصر اساسی برای دخالت و حمایت ولی قهری، مصلحت و غبطه کودک است به گونه‌ای که هر اقدام و تصرفی از سوی سرپرست کودک را متأثر می‌سازد. بهرغم عمومیت و فراگیری دامنه ولایت بر صغار، ولی قهری نمی‌تواند به میل و سلیقه خویش هر تصمیم یا تصرفی را در مورد شئون مولی‌علیه و اموال او عملی سازد، بلکه باید مصلحت مولی‌علیه را منظور کند و نباید عملی را برخلاف مصلحت و غبطه او انجام دهد.

شایان ذکر است «مصلحت انسان چیزی است که هم جنبه مادی و هم نیازهای روحی و معنوی او را دربر دارد و در این میان توجه به مقاصد و کمالات انسانی جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند»^{۲۳}.

در حقوق نیز شرط رعایت مصلحت مولی‌علیه به‌خوبی از مفاد مواد ۱۱۸۲ تا ۱۱۸۷ قانون مدنی و مواد ۷۹، ۸۰، ۸۱ و ۸۳ قانون امور حسبی استنباط می‌شود^{۲۴}. «به این ترتیب، بهرغم گستردگی صلاحیت ولایی پدر بر فرزند محجورش، تنها حفظ غبطه و رعایت صلاح و مصلحت فرزند می‌تواند قلمرو سرپرستی و ولایت او را در این زمینه محدود و منضبط کند»^{۲۵}.

۲.۱. حریم جسمی و جنسی کودک

«تمامیت جسمانی هر شخص اولین و مهم‌ترین داشته اوست که تجاوز به آن در همه نظام‌های حقوقی جهان با شدیدترین مجازات‌های کیفری مواجه می‌باشد و به همین دلیل

۲۳. محمد مهدی مقدادی و همکاران، «جایگاه و معیار مصلحت در اشتغال طفل»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ش ۱۹ (۱۳۹۸)، صص ۷۷-۱۰۱ ر.ک. محمد مهدی مقدادی، «جایگاه و تأثیر مصلحت در سرپرستی کودکان از دیدگاه فقه و حقوق»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ش ۵۴۰ (۱۳۹۰)، ص ۲۰۷.

۲۴. حسین صفایی و اسدالله امامی، مختصر حقوق خانواده، ج ۲، (تهران: دانشگاه تهران: چ ۱، ۱۳۷۴)، ص ۱۷۰.

۲۵. محمد مهدی مقدادی، پیشین، ص ۱۹۵.

کامل‌ترین حریم از جهت حمایتی، حریم جسمانی است»^{۲۶}.

آیات ۳۰-۳۱ قرآن کریم در سوره نور^{۲۷}، مشتمل بر نهی افراد جامعه از تجاوز به حریم خصوصی جسمانی افراد است. در احکام اسلام، زن و مرد در نگاه به مواضع بدن یکدیگر محدودیت‌هایی دارند. شاید در نگاه ظاهری استنباط شود که این حکم مختص زنان و مردان بوده و شامل کودکان نمی‌شود، درحالی که حریم خصوصی جسمانی، حق اشخاص در حمایت و مصونیت از تعرض به تمامیت جسمانی و بدنی آنهاست و کودکان نیز به‌عنوان بخش مهمی از افراد جامعه، مانند بقیه انسان‌ها از حق حریم خصوصی برخوردارند.

به‌نظر می‌رسد که اهمیت موضوع این آیه یعنی کنترل نگاه (دیدن و دیده شدن) در مورد کودکان به مراتب بیشتر است، زیرا بر اساس قوانین اسلام که دقیقاً مطابق با فطرت انسان است، غریزه جنسی باید مطابق با رشد و نمو جسمی و همسو با قوانین طبیعی تکامل یابد و تا رسیدن به مرحله بلوغ باید تلاش شود که شرایط اختفای غریزه جنسی کودک فراهم گردد. این شرایط در روایات و سیره معصومین (ع) کاملاً مشهود است؛ مثل جداسازی بستر کودکان، کسب اجازه برای ورود به خلوت والدین، پنهانی بودن روابط زناشویی و منع حرکات تهییج‌آمیز نسبت به کودکان. ضمن اینکه از اطلاق کلام فقیهان چنین استنباط می‌شود که نهی از موارد پیش‌گفته به سبب آسیب و انحرافی که ممکن است در ذهن کودک به‌جای گذارد، کودکان ممیز و غیرممیز را نیز شامل می‌شود.

با استناد به اطلاق آیات ۳۰-۳۱ سوره نور می‌توان نتیجه گرفت که انتشار تصاویر کودکان با اهداف مختلف نظیر نمایش زیبایی‌های کودکان، برانگیختن حس ترحم مخاطبان، تبلیغ کالا و خدمات در فضای مجازی و رسانه ملی از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی و حتی والدین، مغایر حق کودک بر کرامت انسانی خواهد بود و همچنین به‌واسطه آسیب‌های روحی، جسمی و دیگر آسیب‌ها، مغایر مصالح کودکان و نقض صریح حقوق آنان و خشونت علیه کودکان به‌شمار می‌رود، زیرا کودک به جهت نداشتن اراده کافی و کامل برای اعلام رضایت یا نارضایتی مبنی بر پخش شدن یا نشدن تصاویرش در فضای مجازی، درحقیقت نمی‌تواند نظر قطعی خویش را بیان کند.

۲۶. حسین صادقی، مسئولیت مدنی در ارتباطات الکترونیک، ج ۱، (تهران: میزان، چ ۱، ۱۳۸۸)، ص ۱۱۷.
 ۲۷. قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَتُضَوْنَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ.

۲.۲. حریم معنوی

بدیهی است که سرمایه و حقوق انسان منحصر به دارایی و اموال مادی نیست، بلکه انسان‌ها از حقوق معنوی بهره‌مند هستند که در بیشتر مواقع نسبت به حقوق مادی از اولویت بالاتری برخوردار است. حیثیت و شخصیت از مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی است. مصونیت این حریم در مورد کودکان به‌عنوان آینده‌سازان قطعاً از حساسیت بالاتری برخوردار است که در صورت نقض و تعرض به آن، پیامدهای نامطلوب و جبران‌ناپذیری در حوزه زندگی فردی و اجتماعی آنان به‌دنبال خواهد داشت.

خداوند در آیه ۶ سوره ضحی بر ضرورت بهره‌مندی کودکان از محل مناسب آسایش و آرامش سخن به‌میان آورده و این منت بر پیامبرش را یادآور شده که شرایطی چنین برای او فراهم شده است: «أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى». «هرچند این آیه در مقام امتنان بر پیامبر است؛ ولی با توجه به قلمداد شدن محل آسایش به عنوان نعمت خدا می‌توان اینگونه استنباط کرد که از حقوق کودکان دسترسی به آرامش و محیط مناسب رشد است»^{۲۸}. رویکرد دین اسلام به کودک، تنها توجه به خواست و نیاز فعلی او نبوده، بلکه کودک را در مسیری به نام کمال تصور کرده است. برای حصول رشد و کمال، اولین نیاز کودک دسترسی به حریم امن و محل آسایش و زندگی مناسب است. «روش پسندیده و سیره ارزشمند ائمه معصومین (ع) بر تکریم و مهربانی با کودک و عاری از هرگونه آزار و آسیب است»^{۲۹}. در ادامه برخی از مصادیق نقض حریم معنوی آورده شده است.

الف) طعنه و عیب‌جویی

یکی از نیازهای معنوی انسان‌ها، حفظ عزت نفس است، از این رو مایل نیستند دیگران از خطاها و اشتباهاتشان مطلع شوند. قرآن و روایات نیز بر این نیاز صحنه گذاشته و بر حق حریم خصوصی با اشارات، مفاهیم و مصادیق متعددی تأکید نموده‌اند. قرآن در مقام نهی از

۲۸. احمد بهشتی، اسلام و بازی کودکان، ج ۱، (تهران: چاپ و نشر بین‌الملل، ج ۱، ۱۳۹۱)، ص ۲۷۵.

۲۹. محمد مهدی مقدادی، «مصونیت و حمایت در برابر خشونت به مثابه حقی مسلم برای کودک»، نشریه دین و حقوق، ش ۱ (۱۳۹۲)، ص ۲۲۹.

عیب‌جویی هشدار می‌دهد: «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ»^{۳۰}. در تفاسیر مختلف برای معنی همزه و لمزه مفهوم وسیعی در نظر گرفته شده^{۳۱}، اما تمام معانی دال بر نقض حریم خصوصی است، زیرا عیب‌جویی چه در حضور یا غیاب فرد، نقض حریم شخصی و در نهایت باعث هتک آبروی وی خواهد شد؛ افزون بر این، باعث تهییج کینه و عداوت، از بین رفتن محبت و ازدست دادن دوستان و موجب ازهم‌گسیختگی نظام و شیرازه اجتماع می‌شود. رسول اکرم (ص) در روایتی می‌فرماید: «خدا رحمت کند کسی را که فرزندش را بر کارهای نیکش یاری دهد، در حالیکه از زشتیهایش می‌گذرد و در خلوت خود و خدا برایش دعا می‌کند»^{۳۲}، زیرا چشم‌پوشی از خطای کودک و عدم اصرار به نقض حریم شخصی او باعث تنبه کودک و حفظ شخصیت وی و سوق دادن او به سوی کارهای نیک می‌گردد.

ب) استهزا و القاب زشت

تمسخر و استفاده از القاب نادرست از مصادیق اعمال خشونت روانی و ناقض حریم خصوصی کودک است، زیرا عرض و آبروی کودک حریم خصوصی اوست. مستند به آیه ۱۱ سوره حجرات^{۳۳} در نهی از تمسخر، «اطلاق آیه شامل پدر و مادر و مریانی که برای فرزندان خود نام و لقب زشت و زننده و بی‌محتوا انتخاب می‌کنند نیز می‌شود و بعید نیست از این آیه حرمت آن استفاده شود»^{۳۴}.

منع در آیه شامل همه مصادیق حریم خصوصی می‌شود که از آن جمله حریم خصوصی در مناسبات خانوادگی و حریم خصوصی کودک است.

با مطالعه در منابع فقهی این‌گونه برداشت می‌شود که کودکان نیز همچون افراد بالغ از شرافت ذاتی و کرامت انسانی برخوردارند و تکریم و رفتار مناسب با آنان توصیه شده است. کرامت ذاتی یک موهبت خدادادی است که از آغاز خلقت با سرشت انسان عجین شده است

۳۰. همزه: ۱.

۳۱. محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۹، (تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۱، ۱۳۷۵)، ص ۸۲۳.

۳۲. میرزا حسین محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، (بیروت: نشر آل البيت، چ ۱، ۱۴۰۸)، ص ۱۶۹.

۳۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ.

۳۴. باقر انصاری، حقوق حریم خصوصی، ج ۱، (تهران: انتشارات سمت، چ ۱، ۱۳۹۲)، ص ۲۶۶.

و از آنجا که کودکان به دلیل فقدان اهلیت و عدم بلوغ جسمی و عقلی به شدت آسیب پذیرند؛ نیازمند تکریم و احترام بیشتری هستند.

۳.۲. حریم اطلاعاتی

صیانت از حریم خصوصی و اطلاعات شخصی در مفاهیم قرآنی و روایی ذیل این مباحث قابل استناد است:

الف) ممنوعیت تجسس

یکی از آسیب‌های اخلاقی و شخصیتی که قرآن کریم^{۳۵} ذکر می‌کند و ناقض حریم خصوصی است، تجسس در امور شخصی دیگران است. «حرمت تجسس عام است و از تجسس در عقاید، اخلاق و احوال روحی تا تجسس از خلوت و پنهان تمامی افراد را شامل می‌گردد و لذا؛ منع تجسس در امور و احوال دیگران با اطلاق و عمومیت خود شامل تمام مصادیق حریم خصوصی می‌شود و بدین تقریر هرگونه کنکاش و دسترسی به اطلاعات افراد که آنرا پنهان داشته‌اند تجسس منهی عنه محسوب می‌شود»^{۳۶}. تجسس در حریم خصوصی افراد و کنجکاوای در امور پنهانی کودکان موجب بی‌حرمتی و بی‌اعتمادی آنان و موجب هراس و از بین رفتن امنیت اجتماعی خواهد شد.

ب) اشاعه فحشا و هتك ستر

فاش کردن امور خصوصی دیگران بر اساس ادله احکام در فقه امامیه حرام است. در قرآن کریم اشاعه فحشا عملی تلقی شده که پیامد آن عذاب دردناک در دنیا و آخرت است^{۳۷}. با توجه به «مفهوم وسیع اشاعه فحشاء که هرگونه نشر فساد و اشاعه زشتیها و قبايح را شامل می‌شود»^{۳۸}، استفاده ابزاری از کودکان برای تبلیغات، خرید و فروش و شوهای تبلیغاتی از مصادیق اشاعه فحشا و نقض حریم خصوصی کودک است.

۳۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا (حجرات: ۱۲)

۳۶. سجاد شهناز قهفرخی، «حریم خصوصی فیزیکی افراد در آئینه فقه و حقوق ایران»، پژوهش‌های فقهی، ش ۱۳ (۱۳۹۲)، ص ۹.

۳۷. إِنَّ الَّذِينَ يَجْتُمُونَ أَن تَشِيخَ الْفَاحِشَةَ فِي الدِّينِ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (نور: ۱۹).

۳۸. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، (تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چ ۱، ۱۳۷۴)، ص ۴۰۳.

۴.۲. حریم مکانی

در آیات ۲۷، ۲۸ و ۲۹ سوره نوره، ورود به منازل اشخاص منوط به استیناس و استیذان شده است. مفسران منظور از «استیناس» را اجازه ورود خواستن^{۳۹}، یا آگاه کردن صاحبخانه^{۴۰} شمرده‌اند. معنای عام اجازه گرفتن در این آیات، دلالت بر دوسویه بودن حفظ حریم خصوصی دارد؛ یعنی نه تنها برای افراد خارج از منزل که برای سایر اعضای خانواده نیز لازم است. کودکان نیز همانند سایر اعضای خانواده برای تنظیم احساسات و آرامش فکری و روحی نیاز به مکان و حریم خلوت دارند و پیش‌بینی اتاق اختصاصی به معنای محدود ساختن دسترسی دیگران و حتی اعضای خانواده است. البته با توجه به اهتمام تمام نظام‌های حقوقی و اخلاقی بر لزوم تربیت صحیح کودک، باید گفت حریم خصوصی کودک باید با اصول حاکم بر روابط اعضای خانواده همخوانی داشته باشد؛ بنابراین حق صیانت از حریم خصوصی نمی‌تواند مانع از نظارت پدر بر رعایت مصالح عالیۀ کودک شود.

علاوه بر آیات قرآن با مذاقه در سیره معصومین (ع) درمی‌یابیم که روایات از تواتر معنوی در اعتبار حق حریم خصوصی برخوردارند و شارع در برخی از این روایات با لسان نهی و الزام به ترک و در بعضی دیگر با ادبیات اثباتی و ارشادی بر رعایت حریم خصوصی تأکید ورزیده و از آنجا که دلالت این روایات عام است، با احراز ملاک، بر بسیاری از مصادیق حریم خصوصی قابل انطباق می‌باشد.

۳. قلمرو حریم خصوصی کودک در نظام حقوق بین‌الملل

مطابق اسناد حقوقی بین‌المللی، کلیۀ افراد بشری صرف‌نظر از تابعیت، سن، اهلیت مدنی و توانایی ذهنی، از حریم خصوصی برخوردارند. حق حریم خصوصی کودک به صورت ضمنی در اعلامیۀ ژنو (بیانیه حقوق کودک)^{۴۱}، اعلامیۀ جهانی حقوق بشر^{۴۲}، میثاق

۳۹. علامه حلی حسن بن یوسف، مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۷، (قم: اسلامی، ج ۳، ۱۴۱۰)، ص ۳۵۷.

۴۰. فیض کاشانی محمدحسن، الأصفی فی تفسیر القرآن، ج ۲، (قم: مرکز اجات و دراسات الاسلامیه، ج ۱، ۱۴۱۸)، ص ۸۴۲.

41. Declaration of the Rights of the Child (26 November 1924).

42. Universal Declaration of Human Rights (1948).

بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^{۴۳}، اعلامیه جهانی حقوق کودک و به صورت صریح در کنوانسیون حقوق کودک^{۴۴} مورد تأکید قرار گرفته است.

در کنوانسیون حقوق کودک به صورت مشخص به قلمرو حریم خصوصی کودک توجه شده است. در ماده ۱۶ کنوانسیون، دخالت و ملاحظات غیرقانونی و خودسرانه و هتک حرمت در امور خصوصی و خانوادگی و حتی مکاتبات کودک منع شده و حتی از دولت‌ها درخواست شده است که در برابر این‌گونه اعمال، ضمانت اجرایی تعیین کنند. همچنین ماده ۱۳ کنوانسیون با پذیرش حق کودک بر آزادی ابراز عقیده، این حق را شامل آزادی در جست‌وجو، دریافت و رساندن اطلاعات و عقاید از هر نوع می‌داند و ماده ۱۴ نیز به حق آزادی فکر، عقیده و مذهب برای کودک اشاره دارد.

گستره حریم خصوصی کودک در حقوق بین‌الملل نیز همانند فقه و قوانین اسلامی با حق نظارت والدین و سرپرستان قانونی محدود شده است. گرچه در اسناد بین‌المللی به مسئله حق والدین بر تربیت کودک به صورت مجزا پرداخته نشده است، اما در اسنادی که به تربیت کودک توجه داشته‌اند، والدین مسئول اصلی در تربیت کودک معرفی شده‌اند. در کلیه اسناد موردنظر، ابتدا اموری مانند حق بر مراقبت برای کودکان (بند دوم ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۶۸) و حمایت از کودکان در مواقع اضطراری و درگیری‌های مسلحانه و جنگ (مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۶ دسامبر ۱۹۷۹) مطرح شده و سپس با توجه به جایگاه والدین، مسئولیت آنان موضوع قوانین قرار گرفته است.

«بر اساس بند ۱ ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر: والدین یا قیم قانونی، مسئولیت اصلی رشد و پیشرفت کودک را بر عهده دارند و اساسی‌ترین مسئله آنها منافع عالی کودک است. کنوانسیون حقوق کودک، مسئولیت اصلی والدین در تربیت کودکان را به‌صراحت بیان کرده است. در بند ۳ ماده ۲۶ آمده است: حق تقدم در انتخاب نوع آموزش فرزندان با والدین است»^{۴۵}.

43. International Covenant on Civil and Political Rights (16December 1966) (un.org).

44. United Nations Convention on the Rights of the Child (UNCRC) (20November 1989) (un.org).

۴۵. غلامرضا پیوندی، حقوق کودک، ج ۱، (تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۱، ۱۳۹۰)، ص ۵۲.

در یک جمع‌بندی باید گفت: حریم خصوصی کودک در قلمرو اطلاعات و عقیده به‌طور خاص در کنوانسیون حقوق کودک مورد حمایت قرار گرفته، ولی در قلمرو فیزیکی، مانند مسکن و محل کار، توجه زیادی به آنها نشده است؛ شاید به این جهت که این قلمروها برای کودک به صورت اختصاصی موضوعیت نداشته، لذا به صورت خاص مطرح نشده است.

۴. حریم خصوصی کودک؛ نقاط اشتراک و افتراق اسلام و کنوانسیون حقوق کودک

در حقوق اسلام و غرب، «انسان» از آن جهت که انسان است از سرمایه‌های معنوی چون حیثیت و عواطف برخوردار است. تفاوت آشکار در مفاهیم و مبادی دو نظام حقوقی به معنای عدم قلمرو مشترک نیست. «بسیاری از مصادیق حقوق بشر که در اعلامیه حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته، در حقوق اسلامی نیز از پیش مورد عنایت و تأکید قرار گرفته است. مع الوصف امکان انطباق موارد بسیاری از مصادیق حقوق بشر غربی نباید ما را به این اشتباه بیندازد که موارد افتراق آن دو را نادیده بگیریم»^{۴۶}.

۴.۱. مصادیق اشتراک

۴.۱.۱. ۱. تمامیت جسمی و حق حیات کودک

حق حیات از مصادیق مشترک نظام اسلام و حقوق بین‌الملل است. از مشخص‌ترین حوزه‌های حریم خصوصی، حریم جسمانی و از شاخص‌ترین مصادیق حریم جسمانی، حق حیات است. کمیته حقوق کودک چهار اصل بنیادین را بر حقوق کودک حاکم دانسته است که حق حیات، بقا و توسعه کودک یکی از اصول چهارگانه است. «حق حیات کودک، حق غیرقابل تعلیقی است که هم زمان صلح، لازم‌الرعايه است و هم در زمان جنگ و باید مصونیت آن را از هرگونه تجاوز و آسیب تضمین کرد. در حقوق غربی نیز این حق به رسمیت شناخته شده است»^{۴۷}.

۴۶. ابوالقاسم نقیبی، «حمایت از کودکان در حقوق بشر دوستان اسلامی و مقررات بشردوستانه بین‌المللی»، مجله دین و قانون، ش ۱ (۱۳۹۲)، ص ۱۸۰.

۴۷. ندا نیکنامی، حق حیات کودک از نگاه اسلام و اسناد بین‌المللی، دانشکده حقوق دانشگاه قم، ۱۳۹۱.

قرآن کریم در موارد متعدد از حق حیات کودک حمایت کرده است.^{۴۸} در منابع تفسیری اسلام، حق حیات از آغاز خلقت آدمی که نطفه است و با قرار گرفتن آن در مسیر حیات در این عالم به وجود می‌آید، مورد توجه واقع شده است؛ لذا سقط عمدی جنین ممنوع اعلام شده است.^{۴۹}

در اعلامیه حقوق کودک و نیز در کنوانسیون حقوق کودک به مسئله حقوق جنین توجه شده و در مقدمه آن آمده است: کودکان با توجه به عدم بلوغ جسمی و عقلی، پیش و همین‌طور پس از تولد، محتاج حمایت و مراقبت‌های خاص از جمله حمایت مناسب قانونی هستند.

۲.۱.۴. صیانت از حریم جنسی

در آموزه‌های دینی، تربیت جنسی این است که فرد را به گونه‌ای تربیت کنیم که وقتی به سن بلوغ رسید، حلال و حرام مسائل جنسی را تمییز داده، از بی‌بندوباری بپرهیزد. در اسناد بین‌المللی نیز آمده است، کشورها موظف‌اند با تمام اشکال سوءاستفاده و استثمار جنسی کودکان مقابله کنند و هرگونه تشویق و اجبار کودکان برای فعالیت‌های جنسی، استفاده از کودکان در فاحشه‌گری و هرگونه تربیت در زمینه اعمال غیرقانونی جنسی را محکوم کنند و خواستار جلوگیری از آن شوند.

در ماده ۳۴ کنوانسیون حقوق کودک آمده است: کشورهای عضو کنوانسیون متعهد می‌شوند از کودک در برابر تمام اشکال سوءاستفاده و استثمار جنسی حمایت کنند. به این منظور، کشورهای یادشده خصوصاً اقدامات مالی دو و چندجانبه را جهت جلوگیری از موارد زیر به عمل می‌آورند:

الف) تشویق یا وادار کردن کودکان برای درگیری در هرگونه فعالیت جنسی.

ب) استفاده استثماری از کودکان در فاحشه‌گری و سایر اعمال غیرقانونی جنسی.

ج) استفاده کودکان در اعمال و مطالب پورنوگرافیک.

۴۸. انعام: ۱۵۱؛ اسراء: ۳۱؛ ممتحنه: ۱۲؛ تکویر: ۸.

۴۹. محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۹، (تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵)، ص ۲۰۹.

۳.۱.۴. حق تمامیت حیثیت و ممنوعیت ورود به حریم خصوصی

در تمام سیستم‌های حقوقی به ممنوعیت نقض حریم خصوصی کودک و تجسس در آن تصریح شده است؛ تنها تفاوتی که از این لحاظ میان این سیستم‌ها وجود دارد، میزان توجه و اهمیت به کودک به عنوان یک فرد مستقل و صاحب حق است. اصطلاح حریم خصوصی در منابع اسلامی مثل قرآن و روایات رایج نیست، اما در آیات متعددی از قرآن در قالب مصادیق و مفاهیم دیگری به این حق اشاره شده است. به موازات این آیات، کلام روشنگر ائمه (ع) نیز به تکمیل و متمم این حق پرداخته است. علاوه بر آیات و روایاتی که مبتنی بر شناسایی حریم خصوصی هستند، ادله عقلی و قواعدی همچون قاعده لاضرر، قاعده تسلیط و قاعده لاجرح وجود دارند که وجه حجیت آنها مورد پذیرش شرع و اساس مشروعیت حریم خصوصی به‌شمار می‌رود. بنابراین، حق حریم خصوصی به‌عنوان یکی از حقوق افراد، مورد پذیرش و شناسایی فقه امامیه و حقوق ایران قرار گرفته است، ولی از آنجا که شرع مقدس به دنبال اهلیت تمتع کودک از حقوق خود، اهلیت استیفا را به او تفویض نکرده و این اهلیت را به شخصی که حق ولایت و حضانت او را دارد محول نموده است، کودک در برخورداری از این حق دچار محدودیت است و رأی و صوابدید ولی یا کسی که حضانت او را برعهده دارد در این امر دخیل است.

۴.۱.۴. حق نظارت والدین و سرپرستان قانونی

اسلام تربیت را حق کودک شمرده است؛ چنان که در کتب فقهی در مبحث نکاح بابی تحت عنوان احکام اولاد، به حقوق کودک در برابر والدین از قبیل حق آموزش و حق تربیت اختصاص یافته است. از لوازم تربیت، آگاهی دقیق و همه‌جانبه والدین بر جسم، روح، رفتار، عادات و معاشران کودک است و این آگاهی حاصل نمی‌شود مگر به نظارت والدین و سرپرستان کودک و به تبع آن، ورود به حریم خصوصی کودک. بنابراین، والدین می‌توانند به اتکای وجوب تربیت، وارد این حریم شده، با در نظر گرفتن مصلحت، ضرر احتمالی را که موجب اضرار به کودک است دفع نمایند.

قوانین ایران نیز تا حدی به تکلیف والدین در برابر کودک پرداخته‌اند. در باب تربیت کودک، ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی زوجین را مکلف به معاضدت در تربیت اولاد نموده است.

ماده ۱۱۹۸ نگهداری اطفال را حق و تکلیف ابویین دانسته و به خطر افتادن تربیت اخلاقی طفل در اثر عدم مواظبت و انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، از جهات سلب حضانت از والدین شناخته شده است (ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی). در مقابل، ماده ۱۱۷۷ قانون مدنی مقرر داشته است که طفل باید مطیع ابویین خود بوده، در هر سنی به آنها احترام بگذارد، و ماده ۱۱۷۹ همین قانون نیز به ابویین حق تنبیه طفل را داده و البته آنان را از تنبیه طفل خارج از حد تأدیب، منع نموده است. در قوانین جزایی نیز به حق و تکلیف والدین به تربیت طفل توجه شده است.

شاید در آغاز امر این گونه به نظر برسد که بحث ولایت و سرپرستی کودک در فقه اسلامی از مصادیق افتراق یا حقوق بین الملل باشد، اما با دقت و مطالعه در اسناد بین المللی مرتبط با کودک و مشخصاً ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک که ورود به حریم خصوصی را به صورت «غیرقانونی» منع نموده و همچنین با توجه به بند ۲ ماده ۱۴ کنوانسیون حقوق کودک که کشورهای عضو را مکلف نموده است حقوق و تکالیف والدین و حسب مورد سرپرستان قانونی را در هدایت کودک برای اعمال حقوق خود به روشی هماهنگ با توانایی‌های بالنده وی محترم بشمارند، مشخص می‌گردد حسب مواردی که قانون اجازه داده و تأیید نموده است امکان نظارت و مداخله با رعایت معیار مصلحت و منافع عالیة کودک وجود دارد؛ لذا سازگاری و همسو بودن حق حریم خصوصی کودک در فقه اسلام و حقوق بین الملل برداشت می‌شود.

«در نظام حقوق بین الملل همانند فقه اسلام، به حق کودک بر تربیت و نظارت والدین و سرپرستان قانونی توجه شده است، از جمله اصل دوم اعلامیه حقوق کودک (۱۹۵۹) مقرر داشته است کودک باید از حمایت ویژه برخوردار شود و امکانات و وسایل ضروری جهت پرورش بدنی، فکری، اخلاقی و اجتماعی وی به نحوی سالم و طبیعی و در محیطی آزاد و محترم توسط قانون با مراجع ذی ربط در اختیار وی قرار گیرد. همچنین ماده ۱۸ کنوانسیون حقوق کودک نیز با تأکید بر مسئولیت مشترک هر دو والد در پرورش و رشد کودک، دولت‌ها را مکلف به مساعدت لازم به والدین و سرپرستان قانونی کودک در جهت ایفای مسئولیت

خود در پرورش کودک نموده است»^{۵۰}.

نکته مهمی که نباید از آن غفلت ورزید این است که گرچه تکلیف والدین یا سرپرستان قانونی که با عناوین ولایت، حضانت، ولایت قهری و سرپرستی در فقه و حقوق به آن پرداخته شده، مستلزم دارا بودن حق نظارت و کنترل بر رفتار کودک است که ظاهراً محل حق حریم خصوصی کودک به نظر می‌رسد، اما آنچه شائبهٔ اخلال و نقض حریم خصوصی کودک را منتفی می‌نماید، «عنصر مصلحت است که دامنهٔ این نظارت و کنترل را محدود نموده و نظام سرپرستی را موجه جلوه می‌دهد. در واقع، محور و عنصر اساسی برای دخالت و حمایت ولی قهری، مصلحت و غبطهٔ کودک است»^{۵۱}، زیرا اقتدار قانونی ولی، صد درصد مطلق و تابع ارادهٔ مطلق ولی نیست و حد و مرز آن نیز مقرر شده است (مصلحت). ولی قهری نمی‌تواند به میل و سلیقهٔ خودش هر تصمیم یا تصرفی را در مورد شئون مولی‌علیه و اموال او عملی سازد یا فراتر از محدودهٔ خیراندیشی اقدام کند، بلکه موظف است در این قبیل تدابیر و تصرف‌های خود، مصلحت مولی‌علیه را منظور نماید و نباید عملی را برخلاف مصلحت و غبطهٔ او انجام دهد. «افزون بر این، ریشهٔ احکامی چون جواز یا لزوم اقدام برای سرپرستی افراد محجور و ناتوان و حفظ اموال و نفوس آنها، برگرفته از بنای عقلاست که به تأیید شرع مقدس نیز رسیده است»^{۵۲}.

عبارت «منافع عالیه کودک» مندرج در مادهٔ ۳ کنوانسیون حقوق کودک نیز مبین همین معناست. مطابق بند یک مادهٔ ۳ کنوانسیون حقوق کودک، تمام اقدام‌های مربوط به کودک که از سوی مؤسسات رفاه اجتماعی عمومی یا خصوصی، دادگاه‌ها، مقام‌های اجرایی یا ارگان‌های حقوقی انجام می‌شود، «منافع کودک» از اهم ملاحظات است. در تعارض بین منافع عالیه کودک و مصالح جامعه و دیگران، از قبیل والدین، اولویت با منافع عالیهٔ کودک است.

۵۰. اردشیر امیرارجمند، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، (تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ج ۱، ۱۳۸۱)، ص ۲۰۴.

۵۱. محمدمهدی مقدادی، «جایگاه و تأثیر مصلحت در سرپرستی کودک از دیدگاه فقه و حقوق»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۵، (۱۳۹۰)، ص ۲۰۳.

۵۲. همان، ص ۲۰۵.

بنابراین مشخص می‌شود که در هر دو نظام فقه اسلام و حقوق بین‌الملل، نظارت و کنترل ولی و سرپرستان قانونی مطابق قانون، مبتنی بر معیار مصلحت و منافع عالیۀ کودک و محدود به قدر متیقن است؛ لذا ورود به حریم خصوصی کودک باید در حد ضرورت صورت گرفته، متناسب با حفظ کرامت انسانی او باشد.

۲.۴. مصادیق افتراق

۱.۲.۴. آزادی در انتخاب و تغییر دین

ماده ۱۸ اعلامیۀ جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هرکس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین آزادی اظهار عقیده و ایمان است». ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند یک ماده ۱۴ کنوانسیون حقوق کودک نیز مضمون ماده ۱۸ اعلامیه را یادآور شده است.

از دیدگاه کنوانسیون یادشده، کودک دارای حق آزادی در انتخاب فکر، عقیده و مذهب است. همچنین او آزاد است عقاید خود را ابراز کند و اطلاعات و عقاید از هر نوع را بدون توجه به مرزها و به هر شکل که باشد به انتخاب خود دریافت دارد و یا به دیگران برساند، که البته به‌نظر می‌رسد این مغایر با اسلام و شرع باشد. درحالی که آزادی در انتخاب دین و مذهب و تغییر آن در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است، در حقوق اسلامی ارتداد به شدت محکوم شده، مرتد به مجازات‌های سنگینی چون مرگ و محرومیت از برخی حقوق مدنی و اجتماعی محکوم می‌شود که همین تنافی حکم ارتداد در اسلام با آزادی عقیده از شبهات و نکات افتراق اسلام و حقوق بین‌الملل دانسته شده است.

نگارندگان این مقاله بر این باورند که اولاً مشهور فقیهان بین ارتداد کودک بالغ و نابالغ تفاوت قائل شده، حکم ارتداد را متوجه کودک نابالغ نمی‌دانند و برخی دیگر در خصوص احکام وضعی ارتداد، به جهت امتنان به کودک، قائل به تفصیل هستند.^{۵۳} ثانیاً اگرچه برخی، آزادی کودک در انتخاب دین و مذهب را مخالف موازین فقهی اسلام می‌دانند، ولی می‌توان مقصود کنوانسیون از آزادی مذهب برای کودک را به شکل دیگری نیز تفسیر کرد که در

۵۳. مصطفی همدانی، «تحلیل احکام فقهی ارتداد کودکان مراهق»، دوفصلنامه علمی مطالعات فقه تربیتی، ش ۱۴ (۱۳۹۱)، ص ۷۹.

تعارض با آموزه‌های اسلامی نباشد؛ به این شکل که با توجه به مفهوم کودک و حقوقی که کنوانسیون برای کودک در نظر گرفته است، به نظر می‌رسد که مقصود کنوانسیون از آزادی مذهب، خودمختاری در پذیرش نیست، زیرا مفهوم واقعی حق انتخاب، متأثر از سن بلوغ و رشد عقلی است و زمانی که کودک به سن عقلی و تمییز رسید با مطالعه و تفکر می‌تواند مذهب خود را انتخاب نماید و این همان توصیه مبانی اسلامی است که تأکید و تشویق به تعقل و اندیشه داشته است و «حتی تقلید در اصول اعتقادی دین را نمی‌پذیرد»^{۵۴}.

«بنابراین آنچه کنوانسیون تحت عنوان آزادی فکر، عقیده و مذهب به کودکان اعطا می‌کند، این است که کودک به‌طور نامعقول تحت فشار برای اجرای بعضی شعائر مذهبی قرار نگیرد و به او فرصت داده شود با ارشاد از ناحیه والدین خود (نه تحمیل نظر) به نحوی پرورش یابد که پس از رسیدن به سن بلوغ آزادانه به عقیده و ایمانی پایبند گردد و مذهبی را که همان مذهب والدین خواهد بود، با بینشی واقع‌بینانه، برگزیند»^{۵۵}.

۲.۲.۴. لا بشرط بودن نسبت به دین

اسلام مصالح کودک را فراتر از مصالحی می‌داند که در اسناد بین‌المللی آمده است^{۵۶} اسناد بین‌المللی به‌رغم توجه خاص به حقوق کودک و تأمین مصالح عالیۀ کودکان، نسبت به اعتقادات دینی و شعائر مذهبی لا بشرط عمل نموده است؛ به‌گونه‌ای که حتی در مواردی با آموزه‌های مذهبی و قوانین دولت‌های عضو مغایر بوده و لذا این کشورها (ایران، مصر، اندونزی، کویت، الجزایر و...) از حق شرط^{۵۷} خود استفاده کرده‌اند.

البته با توجه به اینکه رویکرد اسناد بین‌المللی و کنوانسیون نسبت به حقوق کودک،

۵۴. علی میرموسوی، و صادق حقیقت، مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب، تهران: سازمان انتشارات و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج ۲۶، ۱۳۸۱، ص ۲۵۷.

۵۵. محمد اسدی‌نژاد، و همکاران، «حق آموزش و تربیت کودک در قوانین ایران و اسناد حقوق بشر»، دوفصلنامه حقوق خانواده، ش ۶۲ (۱۳۹۴)، ص ۱۸۴.

۵۶. فائزه عظیم‌زاده، «خانواده و بنیان حقوق کودک»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۳۰ (۱۳۸۲)، ص ۲۳.
 ۵۷. Reservation: این اصطلاح را به «تحدید تعهد» نیز ترجمه کرده‌اند که در واقع نتیجه اعمال حق رزرو است؛ اما چون دولت‌ها با قید حق رزرو هنگام قبول یا تصویب یک عهدنامه بین‌المللی، فی‌الواقع قبول یا تصویب در نتیجه تعهدات خود را با شرط عدم شمول بعضی از مواد عهدنامه اعلام می‌کنند، از این حیث به حق شرط ترجمه شده است.

رویکرد مصون‌سازی است، یعنی مبتنی بر حمایت کیفری و جلوگیری از بزه‌دیدگی کودکان است؛ با این حال، مفاهیم معنوی همچون آزادی، بردباری، برابری و صلح در این اسناد (ماده ۶ کنوانسیون) مورد توجه واقع شده است.

کنوانسیون گرچه نسبت به پرورش و ارتقای ارزش‌های اخلاقی و باورهای دینی توجه و اهتمام نکرده است، اما به صورت کلی از جهت تربیتی دارای محورهای مشترکی با مبانی فقهی اسلام است. مثلاً مقابله با اشکال کودک‌آزاری (ماده ۱۹)، مقابله با انواع سوءاستفاده و استثمار کودکان (مواد ۳۳، ۳۴ و ۳۶)، تخفیف و تعدیل مجازات کودکان (ماده ۳۷)، که این محورها در فقه اسلامی در چارچوبی جامع‌تر و دقیق‌تر مورد توجه قرار گرفته است.

نتیجه

- از تتبع در منابع فقه اسلامی و اسناد حقوقی داخلی و بین‌المللی با استفاده از تحلیل تطبیقی مشخص گردید که کلیه افراد بشری صرف‌نظر از تابعیت، سن یا اهلیت مدنی یا توانایی ذهنی یا مقام، از حریم خصوصی برخوردار هستند. کودکان نیز به‌عنوان آینده‌سازان جامعه بشری بر پایه انسان بودنشان از تمام مصادیق حریم خصوصی برخوردارند، ولی استیفای آنها از این حقوق متناسب با سن و بلوغ آنها صورت می‌گیرد.
- تفاوت آشکار در مفاهیم و مبادی نظام حقوقی اسلام و بین‌الملل، به معنای عدم قلمرو مشترک نیست. بسیاری از مصادیق حقوق بشری همچون حریم خصوصی کودک که در اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته، در حقوق اسلامی نیز از پیش مورد عنایت و توجه بوده است.
- مصادیق اشتراکی قلمرو حریم خصوصی کودک عبارت است از: حق حیات کودک، صیانت از حریم جنسی، حق تمامیت حیثیت و ممنوعیت نقض حریم خصوصی، حق نظارت والدین و سرپرستان قانونی.
- موارد افتراق حریم خصوصی کودک در اسلام و نظام بین‌الملل عبارت است از: سن کودکی، لایبشرط بودن اسناد بین‌المللی و کنوانسیون حقوق کودک نسبت به دین، آزادی در تغییر دین.
- با اینکه معیار تمییز سن کودکی در فقه اسلامی با حقوق بین‌الملل تفاوت دارد و نیز

- از آنجا که شرع مقدس به سبب حجر حمایتی کودک، اهلیت استیفا را به او نداده، بلکه مسئولیت سرپرستی از کودک و امور وی را به پدر و مادر (از جهت ولایت پدر و حضانت والدین) واگذار نموده است؛ با این حال، تمام نظام‌های حقوقی و اخلاقی به سبب لزوم تربیت صحیح کودک، قائل به همخوانی حریم خصوصی کودک با اصول حاکم بر روابط اعضای خانواده و نظارت والدین بر رعایت مصالح عالیّه کودک هستند.
- قدر مشترک فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل، پذیرش حق بودن حریم خصوصی کودک و دربرگیرنده حریم جسمی، حریم مکانی، حریم معنوی و حریم اطلاعاتی است.
 - اگرچه برخی از مواد کنوانسیون با احکام اسلامی سازگاری ندارد، لیکن بر پایه واگذاری به قوانین داخلی کشورها این امر انعطاف‌پذیر است و از سوی دیگر باید اذعان نمود که حق خصوصی کودک از دیدگاه شریعت اسلام با دقت و جامعیت منظور شده است.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

- کتاب‌ها

۱. امیرارجمند، اردشیر، *مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر*، ج ۱، (تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چ ۱، ۱۳۸۱).
۲. انصاری، باقر، *حقوق حریم خصوصی*، ج ۱، (تهران: انتشارات سمت، چ ۱، ۱۳۹۲).
۳. بهشتی، احمد، *اسلام و بازی کودکان*، ج ۱، (تهران: چاپ و نشر بین‌الملل، چ ۱، ۱۳۹۱).
۴. پیوندی، غلامرضا، *حقوق کودک*، ج ۱، (تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۱، ۱۳۹۰).
۵. صادقی، حسین، *مسئولیت مدنی در ارتباطات الکترونیک*، ج ۱، (تهران: میزان، چ ۱، ۱۳۸۸).
۶. صانعی، یوسف، *بلوغ دختران*، ج ۱، (تهران: فقه‌الثقلین، چ ۵، ۱۳۹۴).
۷. صفایی، حسین و امامی، اسدالله، *مختصر حقوق خانواده*، ج ۲، (تهران: دانشگاه تهران، چ ۱، ۱۳۷۴).
۸. فراهیدی، خلیل‌بن احمد، *کتاب العین*، ترجمه مهدی مخزومی، ج ۳، (قم: مؤسسه دارالهیجره، چ ۳، ۱۴۱۰).
۹. کاتوزیان، ناصر، *مبانی حقوق عمومی*، ج ۱، (تهران: نشر دادگستر، چ ۲، ۱۳۷۷).
۱۰. مهریزی، مهدی، *بلوغ دختران*، ج ۱، (تهران: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چ ۱، ۱۳۷۶).
۱۱. میرموسوی، علی و حقیقت، صادق، *مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب*، ج ۱، (تهران: سازمان انتشارات و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۲۶، ۱۳۹۷).

- مقاله‌ها

۱۲. اسدی‌نژاد، محمد؛ رستمی چلکاسری، عبادالله؛ مرادی، فاطمه، «حق آموزش و تربیت کودک در قوانین ایران و اسناد حقوق بشر»، *دوفصلنامه حقوق خانواده*، ش ۶۲ (۱۳۹۴).
۱۳. رحمدل، منصور، «حق انسان بر حریم خصوصی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ش ۷۰ (۱۳۸۴).
۱۴. شهباز قهفرخی، سجاد، «حریم خصوصی فیزیکی افراد در آیین فقه و حقوق ایران»، *پژوهش‌های فقهی*، ش ۱۳ (۱۳۹۲).

۱۵. عظیم‌زاده، فائزه، «خانواده و بنیان حقوق کودک»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۳۰ (۱۳۸۲).
۱۶. مقدادی، محمدمهدی، «جایگاه و تأثیر مصلحت در سرپرستی کودک از دیدگاه فقه و حقوق»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۵۳ (۱۳۹۰).
۱۷. مقدادی، محمدمهدی، «مصونیت و حمایت در برابر خشونت به مثابه حقی مسلم برای کودک»، *نشریه دین و حقوق*، ش ۱ (۱۳۹۲).
۱۸. موسوی بجنوردی، محمد، «بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی و قوانین ایران»، *پژوهشنامه متین*، ش ۲۱ (۱۳۸۹).
۱۹. موسوی بجنوردی، محمد، و نسترن‌پور، «بررسی فقهی حقوقی حریم خصوصی»، *مجله نامه الهیات*، ش ۴۲ (۱۳۷۹).
۲۰. نقیبی، ابوالقاسم، «حمایت از کودکان در حقوق بشر دوستان اسلامی و مقررات بشردوستانه بین‌المللی»، *مجله دین و قانون*، ش ۱ (۱۳۹۲).
۲۱. همدانی، مصطفی، «تحلیل احکام فقهی ارتداد کودکان مراهم»، *دوفصلنامه علمی مطالعات فقه تربیتی*، ش ۱۴ (۱۳۹۹).

– پایان‌نامه

۲۲. نیکنامی، ندا، *حق حیات کودک از نگاه اسلام و اسناد بین‌المللی*، دانشگاه قم: ۱۳۹۱.

ب) عربی

۲۳. خوبی، ابوالقاسم، *منهاج الصالحین*، ج ۲، (قم: نشر مدینه العلم، چ ۲۸، ۱۴۱۰).
۲۴. شرتونی، سعید، *اقرب الموارد*، ج ۱، (قم: منشورات آیه الله مرعشی نجفی، چ ۱، ۱۴۰۳).
۲۵. طباطبایی، محمدحسین، *تفسیر المیزان*، ج ۱۹، (تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۱، ۱۳۷۵).
۲۶. طباطبایی، محمدحسین، *نهایه الحکمه*، ج ۱، (قم: مؤسسه نشر اسلامی، چ ۱، ۱۴۲۰).
۲۷. علامه حلّی، حسن بن یوسف، *مختلف الشیعه فی احکام التشریعه*، ج ۷، (قم: اسلامی، چ ۳، ۱۴۱۰).
۲۸. فیض کاشانی، محمدحسن، *الأصفی فی تفسیر القرآن*، ج ۲، (قم: مرکز اجات و دراسات الاسلامیه، چ ۱، ۱۴۱۸).
۲۹. کاشف الغطاء، محمدحسین، *تحریر المجله*، ج ۱، (نجف، مکتب مرتضویه، چ ۱، ۱۳۵۹).

۳۰. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، ج ۷۵، (تهران: انتشارات اسلامیة. چ چهارم، ۱۳۸۶).
۳۱. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، ج ۲، (تهران: انتشارات اسلامیة. چ چهارم، ۱۳۸۶).
۳۲. محدث نوری، میرزاحسین، *مستدرک الوسائل*، ج ۱۵، (بیروت، نشر آل البيت، چ ۱، ۱۴۰۸).
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، ج ۱۴، (تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴).
۳۴. نجفی، محمدحسن (جواهر الکلام)، *فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۳۸-۴۱، (تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۶، ۱۴۰۴).

ج) منابع انگلیسی

- Book

34. De George, R. T. (2003), *The Ethics or Information Technology and Business*, USA, Black Well Publishing, p.256.

- Documents

35. Convention on the Rights of the Child (20 November 1989) (un.org).
36. Declaration of the Rights of the Child (26 November 1924).
37. International Covenant on Civil and Political Rights (16 December 1966) (un.org).
38. Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on the Involvement of
39. Children in the Armed Conflict (25 may2000) (un.org).
40. Universal Declaration of Human Right (1948).